

بررسی طراحی بیمارستان تخصصی قلب و عروق مبنی بر توریسم مداری

علیرضا یزدانی^۱، سارا علیپور^{۲*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران
(AlirezaYazdani@gmail.com)

۲- دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران
(Sara Alipour@yahoo.com)

چکیده

تغییرات جدید در سبک معماری و طراحی داخلی بیمارستان‌ها می‌تواند در بهبود وضعیت سلامت بیماران نقش مهمی ایفا کند. معماران و طراحان داخلی در اقدامی مشترک با پزشکان، کارکنان بیمارستان‌ها و حتی بیماران در صدد یافتن راهکارهای جدید در تغییر سبک معماری و طراحی داخلی بیمارستان‌ها به منظور حصول به بهبودی و سلامت بیماران هستند. به کارگیری شیوه‌های نوین در طراحی به این معنی است؛ که بیمارستان‌ها و مکان‌های درمانی علاوه بر برخورداری از امکانات ویژه درمانی، می‌بایستی فضایی مشابه هتل‌ها را داشته باشند. زیرا؛ اجتماع‌پذیری فضاهای معماری با همنشستی و ترکیب مناسب عامل‌ها کالبدی-فضایی آن و روانی-اجتماعی استفاده کنندگان حاصل می‌آید. طراحی بیمارستان قلب با رویکرد توریسم-مداری یکی از الزامات مهم در شهرهای توریستی-تفریحی می‌باشد. لذا در این پژوهش از تلفیق دو روش تحقیق تحلیل محتوا (کتابخانه-ای) و تطبیقی (میدانی) استفاده شده است. در معماری معمولاً با استفاده از اطلاعات کتابخانه‌ای، به جمع‌آوری اطلاعات و مستندات علمی پرداخته می‌شود و سپس با کمک روش‌های میدانی و توصیفی نظیر مشاهده، مصاحبه، بررسی نمونه‌های موردی از استنادات علمی، نتایجی برای طراحی حاصل می‌شود. در این تحقیق متغیرهای مستقل عبارتند از: گردشگری امنیت، جذابیت محیطی، دلپذیری، دسترسی به تعاملات اجتماعی-فرهنگی، و متغیرهای وابسته بیمارستان تخصصی قلب و عروق است.

واژگان کلیدی: توریسم مداری، بیمارستان قلب و عروق، تعاملات اجتماعی، شهرهای تفریحی توریستی.

مقدمه

میزان موفقیت فضاهای معماری با میزان استفاده از آن فضا و حضور انسان در آن متناسب است. در واقع معماری باید به جای افتراق و جدایی در پی افزایش تعاملات اجتماعی و همبستگی انسان‌ها باشد. اما آنچه امروزه در اغلب فضاهای معماری با آن روبرو هستیم کاهش روابط و مشارکت اجتماعی ساکنان در این فضاهاست. با توجه به

پایین بودن سطح تعاملات اجتماعی در این فضاها به عنوان یکی از اهداف اصلی تحقیق، از طریق شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های مختلف می‌باشد.

از صد سال پیش به این طرف فضای انسانی مورد مطالعه روان‌شناسان بوده است صرف نظر از مسأله تجربه بشر از محیط خودش، این امر به اثبات رسیده است که «درک فضا» هر جا که با تغییر پذیری‌هایی درآمیخته تبدیل به روند پیچیده‌ای گشته است. در واقع ما نمی‌توانیم دنیایی را که در نظر همه ما متعارف است آن‌طور که واقع‌گرایان تصور می‌کنند، ساده تلقی کنیم. بلکه دنیاهای مختلفی وجود دارد که حاصل انگیزه‌ها و تجربیات گوناگون و متفاوت می‌باشند. هنگامی که سیر تحقیق خود را راجع به مفاهیم فضا وارد حوضه معماری کنیم با فقدان کاملاً قابل توجه روبه رو می‌شویم و این نکته در حوزه‌ای که بسیاری از اعضای مشهورش فضا را ذات و ماهیت آن می‌دانند بسیار تعجب‌آور است (زوی ۱۹۵۷، گیدئین، ۱۹۶۷، چومی، ۱۹۹۰).

شاید این امر بدان دلیل است که تلقی و کاربرد معماران از واژه فضا، چنان واضح است و در سرتاسر جهان مقبول، که آنها هیچ نیازی برای توضیح دادن درباره واژه‌ای بنابه فرض درست، احساس نمی‌کنند. در این میان «چومی» یادآور می‌شود که دو رویکرد در تعریف فضا وجود دارند:

اولی «متمایز ساختن فضا» بعدی تجویزی که هنر و معماری متوجه آن هستند و دومی «بیان ماهیت دقیق فضا» بعدی توصیفی که مورد توجه فلسفه، ریاضیات و فیزیک است.

البته در این جا بیشتر در برگرستن فضا مورد توجه است تا فضا. فضای معماری به مثابه ساختاری کالبدی برای تعاملات اجتماعی است که دسترسی به آن برای اعضای جامعه شهری امکان پذیراست، فضای عمومی شهری هر روزه انسان‌های ناآشنا را به آشنا تبدیل کرده و محلی برای روابط گروهی و اجتماعی افراد فراهم می‌آورد. بیمارستان، فضاهای عمومی شهری و معماری از فضاهایی هستند که، پس از انقلاب صنعتی اهمیت آنها برای پژوهشگران محرز شده است.